

ب. تجهیز منابع مالی

الف - مهمترین اقدام در خصوص استقلال منابع مالی و بودجه‌ای قوه قضائیه است که این امر مهم مورد توجه و اهتمام سایر کشورها نیز بوده و تجرماً نتیجه و اثری مطلوب داشته است معضلی معیشت سخت پرسنل قضائی و اداری دستگاه قضائی بعنوان یک حقیقت انکارناپذیر مطرح می‌باشد.

در حالیکه شرح مقدس اسلام تاکید فراوان دارد بر اینکه امکانات زندگی متصدیان امر خطیر قضا می‌بایست در هر حال متناسب با شأن آنها تامین شود و در حقیقت سلامت و امنیت جامعه در گرو تحقق چنین امری می‌باشد.

خوشبختانه با تشریف فرمائی حضرت آیت‌الله شاه‌رودی در قوه قضائیه طرحهای جامعی و تلاشهای مضاعفی با حمایت معظم له از پرسنل زحمتکش قوه قضائیه جهت استقلال بودجه و تامین منابع مالی آن مطرح گردیده است.

ب- تجهیز منابع انسانی:

تجهیز منابع انسانی از حیث کمی و کیفی و التزام به امر شایسته‌سالاری و انجام آموزش‌های کاربردی مطابق استانداردهای شناخته شده و کمبود کادر قضائی و اداری در واحدهای قضائی سراسر کشور کاملاً مشهود است که تشکیل کلاسهای آموزش‌های ضمن خدمت یکی از مهمترین اقدامات صورت پذیرفته در راستای این مهم بوده است که مورد استقبال تمامی واحدهای اداری و قضائی قرار گرفته است.

ولیکن در صورت فراهم شدن مقدمات ادامه تحصیلات در دانشگاههای کشور و در رشته و رشته‌های مورد نیاز قوه قضائیه مطمئن‌ترین راه برای تامین منابع انسانی قوه قضائیه خواهد بود.

دادگستری از جهت استخدام نیروهای کادر اداری افرادی را با مدرک لیسانس بعنوان مدیر دفتر جذب می‌کنند که این در زمان شروع بکار نمی‌توان از آنها بلحاظ عدم آشنایی به امور اداری و تکالیف مدیردفتر (علمی و عملی) در پست‌های سازمانی استفاده نمود و ناچاراً باید از بدو شروع بکار از مرحله ثبات - متصدی دفتر

- بایگانی و ... استفاده نمود و این امر موجب آن شده که سایر همکاران با سابقه زیاد و بالای بیست سال در پست منشی هر چند با مدرک دیپلم خدمت می‌نمایند موجب دلسردی گردیده توجهاً اینکه از تجربه بسیار کار آمد خوبی برخوردارند و توانایی پست مدیر دفتری را دارند.

ضمناً این مجتمع ۳۷ شعبه فعال دارد و نسبت به سایر مجتمع‌های قضائی از شعبات بیشتری برخوردار است و چهار شعبه از این مجتمع خارج از ساختمان مجتمع قضائی امام خمینی مستقر

می‌باشند به شرح ذیل:

۱- شعبه ۲۵ - داخل ساختمان نظام پزشکی واقع در میدان فلسطین.

۲- شعبه ۳۰ و ۳۱ - واقع در شهرک آزمایش داخل ساختمان راهنمایی و رانندگی.

۳- شعبه ۳۲ - واقع در کاخ دادگستری در محدوده دادگاه انتظامی قضاوت واقع می‌باشند. شعبه ۲۵ مخصوص به پرونده‌های جرائم پزشکی.

شعبه ۲۶ مخصوص به پرونده‌های امور بهداشتی و مواد غذایی.

از لحاظ ساختمانی با عنایت به اینکه قدیمی می‌باشند که احتیاج به تجهیزات دارد با تشکیل دادسراها انجام خواهد شد.

ارشاد و معاشرت قضائی در این مجتمع یک قاضی و یک مشاور قضائی و پنج نفر مدیران دفاتر قضائی با تجربه جهت ارشاد و راهنمایی مردم انجام وظیفه می‌نماید و بنده فکر می‌کنم اگر مردم را بصورت صحیح راهنمایی شوند از حجم تراکم و طرح دعوی غیر اصولی خودداری می‌گردد.

رضا ارشوانی، دادرسی دادگاه عمومی تهران و مسؤول اجرای احکام مدنی

تدوین قواعد آئین دادرسی اختیاری

متولد سال ۱۳۵۱، دارای مدرک کارشناسی قضائی از دانشکده علوم قضائی و دانشجو کارشناس ارشد حقوق خصوصی از سال ۱۳۷۷ کار قضائی خود را شروع کرده و تاکنون به سمت قاضی تحقیق دادگاه عمومی بخش پیشوا و قاضی تحقیق دادگستری شهرستان ری و دادرسی دادگاه عمومی تهران فعالیت نموده است.

■ در اجرای احکام مدنی با چه مشکلاتی مواجه هستید؟

۱- با توجه به اینکه پس از انحلال دادگاههای حقوقی ۱ و ۲ و تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، محاکم عمومی این مجتمع غالباً قائم مقام دادگاههای سابق شدند کلیه اجرائیه‌های صادره از دادگاههای فوق‌الذکر به این اجراء ارسال گردیده و همچنین موضوع سبب افزایش تراکم پرونده در اجرای احکام مدنی گردیده است در حال حاضر بیش از پانزده هزار فقره پرونده موجودی این اجراء می‌باشد قابل ذکر است اجرائیه‌های صادره از دادگاه شهرستان سابق و

همچنین صلح سابق نیز در این اجراء موجود است.

۲- متأسفانه کادر اداری اجرائی احکام مدنی علیرغم تلاش که می‌نمایند به لحاظ اینکه در این خصوص و مسائل اجرائی احکام مدنی آموزش دیده نمی‌باشند مشکلاتی را هم برای مراجعین و هم برای تشکیلات قضائی ایجاد می‌نمایند بنابراین پیشنهاد می‌شود متولی امر آموزش و تحقیقات دادگستری تهران اقدام مقتضی را در این خصوص به عمل آورد تا کارمندان اجرائی اهم از مدیر، داوروز و منشی اجراء به وظایف و تکالیف قانونی خود بهتر آشنا شوند قطعاً این آموزش مؤثر خواهد بود.

۳- همانگونه که مستحضر می‌باشید قواعد اجرای احکام مدنی کاملاً امری است و همین امری بودن قانون مشکلات زیادی برای اجرای احکام مدنی ایجاد می‌نمایند بهتر آن است که قانونگذار و یا متصدیان امر قضا با کسب نظر حقوقدانان و اقتباس از سیستم‌های پیشرفته حقوقی دنیا با اصلاح قانون اجرای احکام مدنی بعضاً قواعد اجرای احکام مدنی را اختیاری نمایند و قدرت تصمیم‌گیری به محکوم له و محکوم علیه که با یکدیگر توافق دارند بدهند.

در عمل مواجه هستیم با اینکه محکوم له و محکوم علیه راجع به موضوعاتی با یکدیگر توافق می‌نمایند ولی قانون اجرای احکام مدنی اجازه قانونی امر توافق شد را نمی‌دهد به طور مثال جهت برگزایی عملیات فروش مال غیرمقبول (املاک) یکی از اقدامات شکلی که می‌باید صورت پذیرد الصاق آگهی مزایده در محل مورد فروش می‌باشد بندهی است چنانچه تأیید به الصاق از مرجع ابلاغ اعاده نشود منشی اجراء به لحاظ وجود نقص شکلی نمی‌تواند عملیات فروش را برگزار نماید حتی اگر طرفین پرونده اجرائی توافق نمایند که بدون اجراء شرایط شکلی مزایده برگزار شود و غیره.

بنابراین به نظر می‌رسد که نه تنها در اجرای احکام مدنی می‌بایست به سمت قواعد اختیاری پیش برویم بلکه در آئین دادرسی دادگاههای عمومی حقوقی نیز می‌باید قواعد دادرسی اختیاری تدوین شود.

■ چه تمهیداتی را برای اجرای حکم قلع بناء فراهم می‌نمائید؟

اولاً تا آنجایی که بتوانیم سعی می‌نمائیم طرفین را در این موارد به سمت صلح و سازش سوق دهیم نهایتاً اگر موضوع منجر به توافق نگردد چاره‌ای جز اجراء حکم قطعی و لازم‌الاجرا نداریم ثانیاً جهت قلع و قمع اعیانی که در املاک مقصوب اخذات گردیده اجراء احکام مدنی قبل از مباشرت به اجراء با کالائری مربوطه، ادوات

آب، برق، گاز و شهرداری مربوط هماهنگی های لازم را به عمل می آورد تا در روز اجرای حکم اقدامات مقتضی را انجام دهند و در صورتی که حضور کارشناس ضرورت داشته باشد قطعاً با حضور کارشناس حکم اجراء می شود.

● به نظر شما آیا ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی نسبت به آزادی صادره از هیات حل اختلاف... می باشد یا خیر؟ و آیا ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی عطف به سابق می شود یا خیر؟

طبق نص صریح ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی کلیه محکومیت هایی که به موجب حکم دادگاه می باشد در صورت امتناع محکوم علیه مؤثر از پرداخت محکوم به یا تقاضای محکوم له دادگاه دستور بازداشت وی تا استیفای محکوم به و یا تحصیل رضایت محکوم له و یا قبولی تسلیط و یا اعصار محکوم علیه را صادر می نماید بنابراین آراء غیرقضایی از قبیل رأی دوتوی، برای هیات حل اختلاف اداره کار و هیئت از جدول ماده (۲) قانون فوق الذکر خارج است. اصل بر آزادی اشخاص است.

● اضافه می نماید احکام صادره از سازمان تعزیرات حکومتی نیز به لحاظ وجود معین ماده (۵) مشمول ماده (۲) می شود.

در خصوص قسمت دوم سؤال به استحضار می رساند به نظر اینجانب کلیه احکام صادره از دادگاههای داه گسترده که به مرحله اجراء نرسیده و اجراء نگردیده حتی اگر قبل از تصویب قانون (آبان ماه ۱۳۷۷) باشد مشمول قانون می شود زیرا قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی در زمره قواعد شکلی است در حاتمه از مسؤولان تشریه مزین قضاوت تشکر می نمایم.

● فریده السادات چاوشی، قاضی شعبه پنجم اجرای احکام کیفری مجتمع امام خمینی (ع)

شرح وظائف و تقسیم کار اعضا دفتري آئين نامه مي خواهد

فارع الشخصيل رشته حقوق از دانشگاه شهيد بهشتي و دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق بین الملل از دانشگاه تهران می باشد. دارای ۸ سال سابقه کار قضایی از شهریور ماه ۱۳۸۱، که حدود ۲ ماه از آن در دایره نیابت قضایی و ۲ ماه دیگر را به عنوان قاضی تحقیق در اجرای احکام کیفری مجتمع امام خمینی مشغول به خدمت بوده است.

● در اجرای احکام ماهانه چند پرونده وارده و چند محکومه دارند؟

ماهان حدود ۲۰۰ پرونده، وارده داریم و محکومه هایمان حدود ۶۰۰ پرونده می باشد.

پرونده های اجرا نشده شعبه عمدتاً مرتبط به آن دسته پرونده هایسی است که شامل محکومیتهای مالی نظیر دیه در جرائمی مثل ضرب و جرح های عمدی یا بی احتیاطی در امر رانندگی و یا رد مال در جرایمی مثل سرقت و کلاهبرداری... می باشد که معمولاً به علت عدم دسترسی به اموال محکوم علیه و تقاضای محکوم له مبنی بر بازداشت، منتج به حبسهای طولانی مدت شده و یا اصلاً به محکوم علیه دسترسی حاصل نمی شود و با توجه به اینکه موضوع مشمول مرور زمان هم نمی شود لذا این گونه پرونده ها همچنان مفتوح می ماند.

همین طور احکام غیابی به خصوص در پرونده های چک که به دلیل عدم شمول مرور زمان و عدم دسترسی به محکوم علیه مفتوح می ماند و به محض مراجعه شاکی پرونده به جریان می افتد. تعداد زندانیان این شعبه حدود ۱۵۰ نفر می باشد.

● مشکلات و دشواریهایی که اجرای احکام کیفری با آن روبرو است بیان فرمائید؟

مهمترین و عمده ترین اشکال اجرای احکام که سر منشاء مشکلات دیگری هم می شود فقدان مجموعه مقررات مدونی در این خصوص می باشد علیرغم اینکه در اجرای احکام مدنی با چنین قانونی روبرو هستیم.

همین امر منجر به ایجاد رویه های تشتت و برداشتهای متفاوت گردیده است از طرف دیگر به دلیل عدم پیش بینی واحدی به عنوان اجرای احکام کیفری در قانون آئین دادرسی کیفری ساختار نظام قضایی کشور حد فاصل میان اختیارات قاضی اجرا و قاضی دادگاه صادر کننده رأی مشخص نیست و چون در همه جای قانون به قاضی دادگاه اشاره شده است و نامی از قضای اجرا برده نشده است لذا در اکثر موارد در اتخاذ کوچکترین تصمیمی می باید به نظر قاضی دادگاه رسیده و از او کسب تکلیف شود و این از لحاظ عقلی و منطقی بلاقاعده اذن در شیء، اذن در لوازم شیء، جور در نمی آید.

وقتی مسأله اجرا را به دست قاضی اجرا می سپاریم می باید اختیارات لازمه اینکار را نیز داشته باشد به نظر من دامنه این تعقیب گامی تا آنجا پیش می رود که کلاً، قاضی اجرای احکام مسلوب اراده می شود برای روشن شدن قضیه به دو مورد اشاره می کنم:

یکی در خصوص احکام غیابی در مورد پرونده های چک است، زمانی که طرفین در

خارج از دادگاه یا هم بر سازش می رسند و شاکی به اجرا مراجعه و با ارائه چک تقاضای مختومه شدن پرونده را دارد در این فرض علیرغم مختومه شدن پرونده صرفاً به استناد ماده ۱۲ ق. چک مبنی بر اینکه دادگاه قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد و تعبیر از دادگاه در همه جا خود مرجع صادر کننده حکم است می باید بدل اجرایی تشکیل شود و مجدداً پرونده به دادگاه ارسال و بدون اینکه نیاز به فرآیند خاصی باشد یا یکدفعه موقوفی تعقیب آنرا به بایگانی واکد بفرستد که این کار موجب صرف وقت هزینه و ازدحام کار در شعبه مربوطه خواهد شد در حالی که عملاً هیچ تفاوتی میان این مرحله یا مرحله ای که رأی حضوری است وجود ندارد در مرحله حضوری خود اجرا قرار موقوفی اجرا را صادر می کند در حالی که در مرحله غیابی می باید دادگاه صادر کننده موقوفی تعقیب را صادر کند.

مسأله دیگر در خصوص اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی است که به نظر من اشکالی ندارد که تجویز اعمال ماده به قاضی اجرا سپرده شود با توجه به اینکه در مرحله اجرا همه پرونده در دست قاضی است و از روی تمامی جوانب اشراف دارد، در حالی که قاضی دادگاه فارغ از رسیدگی شده و گاهی اعمال ماده در زمانی مطرح می شود که شاید حتی چندین سال از مرحله صدور حکم گذشته و بعضاً تقاضای دیگری جانشین شده است. یا در نظر گرفتن کثرت کار دادگاه مدام جهت صدور مجوز بازداشت پرونده در حال رفت و برگشت باشد و دادگاه صادر کننده نیز بدون اینکه فرصت بررسی پرونده را داشته باشد به صرف سبب اعلام تجویز اعمال ماده، دلیل آن مجوز بازداشت را صادر نماید و مجموعه اینها به دلیل مشخص نبودن جایگاه واحدی به نام اجرای احکام کیفری در سیستم قانونگذاری است مسأله دیگر ترکیب کادر دفتری شعبه هاست که به طور ناهماهنگی بدون توجه به تناسب کار شیفت مربوطه جفت و جور شده است همچنین فقدان آئین نامه ای در خصوص شرح وظایف و تقسیم کار میان اعضای دفتری که بعضاً موجب سردرگمی و اختلاف میان اعضا و اشکال در روند کار شعبه می شود.

مسأله دیگر عدم تجهیز شعبه به سیستم رایانه ای است که می تواند از تراکم کار شعبه به حد زیادی بکاهد روند کار سرعت یافته و از اشتباهات و اشکالات ثبت دستی در دفاتر جلوگیری می کند و موجب تسهیل در پاسخگویی به ارباب رجوع می شود.

ختم کلام: اینکه آنچه جای آن بسیار حائلی اینکه می باید جایگاه اجرای احکام کیفری در نظام تعقیبی ما تبیین شود.